

مقامه در لغت به معنای مجلس است ؛ ابن منظور می

گوید :

« والمقامة : المجلس ؛ ومقامات الناس :

مجالسهم ... و يقال للجماعة يجتمعون في

مجلس : مقامة (۱) »

صاحب صبح الأعشى می نویسد :

« المقامات و هي جمع مقامة بفتح الميم :

و هي في اصل اللغة اسم للمجلس و الجماعة من

الناس ؛ و سميت الأحداث من الكلام مقامة كأنها

تذكر في مجلس واحد يجتمع فيه الجماعة من

الناس لسماعها (۲) »

مرحوم ملك الشعراء بهار می گوید :

« گویند : المقامة المجلس او الجماعة من

الناس او الخطبة او اللغة او الرواية التي تلقى في

مجتمع الناس ، جمع مقامات ، و مقامات زهاد در

مجلس ملك معروف است كه سخنانی می گفتند

در پند و موعظت ملوك ؛ و نیز به معنای

(مجلس گفتن) و موعظه بر منبر یا بر سر المحمّن

هاست كه آن را بعدها (تذكير) یا (مجلس

گوئی) می نامیدند ، چه مجلس و مقام تقریباً

به يك معناست (۳) »

از مجموع گفته های دانشمندان لغت شناس چنین بر می

آید كه مقامه در لغت به معنای مجلس است ؛ و استعمال آن در

غير مجلس از باب مجاز می باشد .

افزون بر این ؛ باید بگوئیم :

« مقامه » در اصطلاح بر گونه ای از نثر

فنی مسجع و مقفی و ترکیب یافته از کلمات زیبا

و عبارات آهنگ دار و لغات غریب اطلاق می

گردد كه محتوای آن بیان حکایات دل نشین و

نكات اخلاقی و اجتماعی و ظرائف و لطائف ادبی

باشد .

فان مقامه نویسی كه از فنون مستظرف ادیبان و

دانشمندان اسلام است ؛ نخست با اندیشه و قریحه محیر العقول

دانشمند بزرگ و نابغه دوران بدیع الزمان همدانی در گذشته

(۳۹۸ هـ . ق) پایه گذاری شد .

مؤلف صبح الأعشى می گوید :

« و اعلم ان اول من عمل المقامات ،

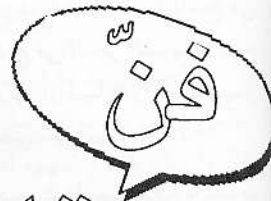
علامة الدهر ؛ و امام الأدب ؛ البدیع الهمدانی

فعمل مقاماته المشهورة المنسوبة اليه ؛ و هي في

غاية من البلاغة ؛ و علو الرتبة في الصنعة . ثم

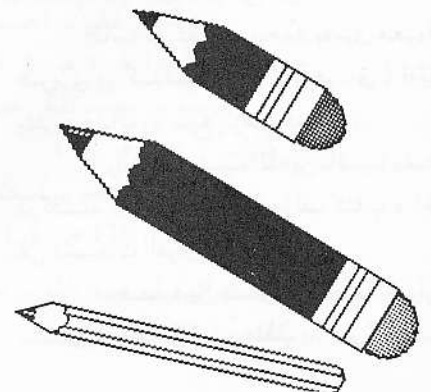


از : استاد فاطمی نیا



مقامه

نویسی





بارها از او می خواستند تا رساله ای یا قصیده ای در یک معنای بدیع و غریب به طور ارتجال بسازد و او بی درنگ آن را می ساخت ؛ گاهی رساله درخواستی را از آخر شروع می کرد و به آغاز می رسانید ؛ و مطالب آن ، همه در کمال ارتباط و انسجام و در زیباترین و ملیح ترین صورت بود . از او می خواستند ابیاتی از شعری فارسی را مشتمل بر معانی پیچیده به عربی برگرداند ؛ او در کمال ابداع و با سرعت و با حفظ همه لطائف ، این خواسته را اجابت می کرد (۷) .

از شواهد گفته ثعالبی اینکه بدیع الزمان در سن دوازده سالگی به دیدن صاحب بن عبّاد ، یکی از پیشوایان دانش و ادب ، می رود ؛ صاحب از او می خواهد اشعار فارسی منصور بن علی منطقی رازی را درباره معشوقش به نظم عربی در آورد . دانشمند نوجوان می پرسد : به کدام قافیسه و در کدام بحر ؟ پاسخ می شنود : قافیۀ طاء ؛ و بحر اسرع ؛ یا بدیع فی البحر السریع ؛ بدیع الزمان بی تأمل و به ارتجال ترجمۀ عربی آن ابیات را که بسیار نزدیک به اصل فارسی است ؛ بدین مضمون می سازد : (۸)

سُرقت من طرته شعرة	حین غذا یمشطها بالمشاط
ثم تدلّحت بهما مثقلاً	تدلّح التملّ بحبّ الحنّاط
قال ابی من ولدی منکما ؟	کلا کما یدخل سمّ الخیاط
اصل فارسی ابیات چنین بود :	
یک موی بدزدیدم از دو زلفت	چون زلف زدی ای صنم به شانه
چونانش به سختی همی کشیدم	چون مور که گندم کشد به خانه
با موی به خانه شدم پدر گفت	منصور کدامست از این دو گانه

مقامات بدیع الزمان مکرر به چاپ رسیده و یکی از چاپ های آن با شرح شیخ محمد عبده مصری همراه است .

مقلدان بدیع الزمان در مقامه نویسی

همان گونه که پیشتر اشاراتی رفت ؛ مبتکر مقامه نویسی بدیع الزمان است ؛ پس از انتشار مقامات او ، ادیبان بسیاری به دنبال او رفتند و در طول قرون و اعصار کتب زیادی به عنوان مقامات نگارش یافت ؛ ذکر نام تمام این مقلدان کار آسانی نیست و از حوصله این مقال نیز خارج است ؛ برای نمونه اسامی برخی از آنان با رعایت (الأهم فالأهم) در اینجا ذکر می شود :

قاسم بن علی بن محمد بصری معروف به حریری در گذشته (۵۱۶ هـ . ق) اولین و بهترین دنباله رو بدیع الزمان همدانی .
ابوالقاسم عبداللّه بن ناکیا بغدادی در گذشته (۴۸۵ هـ . ق) مؤلف کتاب « الجمّان فی تشبیهات القرآن » .

محمود بن عمر بن محمد خوارزمی مشهور به زمخشری و ملقب به جار الله صاحب

تلاهِ الإمام ابو محمد القاسم الحریری ؛ فعمل مقاماته الخمسین المشهورة ؛ فجاءت نهاییه فی الحسن ؛ و اتت علی الجزء الوافر علی الحظ ؛ و اقبل علیها الخاصّ و العامّ ؛ حتّی انست مقامات البدیع و صیرتها کالمرفوضة (۴) .

یعنی ؛ بدان که نخستین مقامه نویس ، علامۀ زمان و پیشوای ادب ، بدیع همدانی بود ؛ پس او « مقامات » مشهور خود را ساخت که در نهایت بلاغت است و از حیث تألیف و صنعت ، جایگاه بلندی دارد ؛ سپس امام ابو محمد قاسم حریری در پی او رفت و پنجاه مقامۀ مشهور خود را ساخت ؛ مقامات حریری در نهایت زیبایی انجام یافت و همگان روی بدان آوردند تا جایی که مقامات بدیع را به دست فراموشی سپرد . کمتر نامی مانند نام بدیع الزمان در میان ادیبان و دانشمندان بر صفحه تاریخ درخشیده ، و کمتر شخصیتی از صاحبان ذوق و ادب مانند وی ذهن ارباب تراجم و تذکره ها را به خود مشغول ساخته است . ابوالفضل احمد بن حسین ملقب به بدیع الزمان مردی شیعی مسلک و از لحاظ قریحه و شعر و ادب و قدرت اندیشه و حافظه و سرعت انتقال به راستی از شگفتی های روزگار بوده است . بدیع الزمان انسانی خوش صورت ؛ نکو سیرت ؛ خوش محضر ؛ با وفا ؛ ظریف ؛ و از حیث شخصیت اجتماعی محترم و آبرو مند بوده است .

ابو سعید عبد الرحمان بن دوست گرد آورنده رسائل بدیع الزمان او را چنین توصیف می کند :

« و کان ابوالفضل و ضی الطّئعة ؛ و ضی العشرة ؛ سحار المفاخرة ؛ غایة فی الظرف ؛ آیه فی اللّطف (۵) » .

دانشمند و ادیب و تذکره نویس بزرگ ثعالبی در گذشته (۴۲۹ هـ . ق) پس از آنکه فصل مشبعی در ادب و دانش بدیع الزمان می نگارد ؛ در توصیف شخصیت او چنین می گوید :

« و کان مع هذا کله ؛ مقبول الصّوره خفیف الرّوح ؛ حسن العشرة ؛ ناصع الظرف ؛ عظیم الخلق ؛ شریف النفس ؛ کریم العهد ؛ خالص الودّ (۶) » .

ثعالبی از بدیع الزمان توصیف جامع و زیبایی می کند که به ترجمۀ خلاصه و عصاره آن می پردازیم :

« بدیع الزمان دارای شگفتی ها و غرائب بود ؛ او یک قصیده پنجاه بیتی را که هرگز آن را نشنیده بود ؛ با یک بار شنیدن حفظ می کرد و آن را از اول تا آخر بدون اینکه حرفی کم و زیاد کند می خواند .

گاهی هشت یا ده صفحه از کتابی را که هیچ سابقه انس با آن نداشت ؛ با یک نگاه سریع به خاطر می سپرد و آن را از بر می خواند



ابوالبرکات عبد الرحمان بن محمد انباری
درگذشته (۵۷۷ ه . ق) (۱۰)

ابوالفتح ناصر بن عبد السید المطرزی
درگذشته (۶۱۰ ه . ق) دیده می شوند .

در میان شروح مقامات حریری ؛ معروفترین و شاید
بهترین آنها شرح احمد بن عبد المؤمن قیسی معروف به « شریشی »
درگذشته (۶۱۹ ه . ق) است ؛ صاحب نظران فرموده اند ؛
شرح شریشی ، ادیب و متتبع را از همه شروح دیگر ، بی
نیاز می سازد (۱۱) .

شرح شریشی مکرر چاپ شده و اخیراً يك چاپ زیبا و
انتقادی از آن با حواشی و تحقیقات استاد مصری محمد ابوالفضل
ابراهیم (محقق شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید) در پنج جلد به
عمل آمده است .

حریری به جز مقامات ؛ آثار دیگری دارد ؛ از جمله آنها
« درة الغواص فی اوهام الخواص » است ؛ درة الغواص کتابی ست
بسیار نفیس ؛ حریری در این کتاب اغلاطی را که اهل فضل و
ادب در خواندن و نوشتن مرتکب آن می شوند یاد آور شده ؛ این
کتاب به سال (۱۸۷۱ میلادی) در لیبزیگ به صورت انتقادی
همراه با دو فهرست الفاظ مفرده و اعلام و قبائل به چاپ رسیده
است .

دیدگاه ها در مورد مقامات حریری

از قول صاحب صبح الأعشی آوردیم که می گوید :
مقامات حریری مقامات بدیع الزمان را به فراموشی سپرد ؛ بالاتر
از این ، سوگند بزرگ زمخشری را هم خواندیم ؛ البته هیچ
تردیدی در این نیست که مقامات حریری مقبول طبع ادیبان واقع
گردید و در دل ها جای گرفت ؛ ولی از آنجا که گفته اند : « من
صنّف فقد استهدف » مقامات حریری ، انتقاد کنندگان و خرده
گیرانی هم داشته است ؛ دانشمند بزرگ و ادیب ارباب ابو محمد
عبد الله احمد بغدادی مشهور به « ابن الخشّاب » درگذشته (۵۶۷
ه . ق) که از دانش لغت و نحو و فن تفسیر و تاریخ و موهبت
شعر بهره مند بوده ؛ کتابی در نقد مقامات حریری ساخته است ؛
عبد الله بن بری مقدسی مصری درگذشته (۵۸۲ ه . ق) به
یاری حریری بر خاست و کتابی در ردّ ابن الخشّاب نوشت ؛ اسم این
کتاب را حاجی خلیفه « اللّباب فی الردّ علی ابن الخشّاب » ذکر
می کند ؛ سپس بدون اینکه اسمی از مؤلف ببرد ؛ نوشته است :
« فی ردّه علی المقامات » (۱۲) ؛ ولی سیوطی در شرح حال عبد
الله بن بری می نویسد : « و صنّف اللّباب فی الردّ علی ابن
الخشّاب فی ردّه علی الحریری فی درة الخواص » (۱۳) . در
اینکه ابن الخشّاب نقدی بر حریری نوشته و ابن بری به یاری او
برخاسته شکی نیست ؛ و حاجی خلیفه اگر چه اسم مؤلف را همراه
اسم کتاب یاد نکرده ولی در ذیل عنوان مقامات تصریح دارد بر
اینکه ابن بری در برابر نقد ابن الخشّاب بر مقامات ، از حریری

تفسیر بزرگ کشاف در گذشته (۵۹۷ ه . ق) .
زین الدین عمر بن مظفر بن عمر بکری
شافعی معروف به ابن الوردی صاحب تاریخ
مشهور و کتاب البهجة الوردیة که از کتب معتبر
فقه شافعی ست ؛ در گذشته (۷۴۹ ه . ق) .

جلال الدین عبد الرحمان بن ابی بکر
سیوطی شافعی صاحب مؤلفات بسیار مانند
تفسیر ؛ المزهرة ؛ طبقات المفسرین و جز این ها ؛
در گذشته (۹۱۰ ه . ق) .

علامه محمد مؤمن بن محمد قاسم جزائری
شیرازی صاحب کتاب خزانه الخیال در گذشته
(۱۱۳۰ ه . ق) .

شیخ ناصیف بن عبد الله یازجی مسیحی
لبنانی درگذشته (۱۸۶۹ میلادی) .

مقامات حریری

حریری به علت نبوغ و قدرت اندیشه و کثرت اطلاعات
علمی و ادبی و جودت سلیقه ؛ در میان مقلدان بدیع الزمان رتبه
اول را حائز شد و شهره آفاق گردید و مقاماتش او را در جهان
مشهور ساخت . نام حریری در تذکره ها و لسان ارباب تراجم با
تعظیم فراوان برده شده ؛ و عباراتی از قبیل « رئیس قاسم بن
علی الحریری » و « الإمام الحریری » در مورد نام او دیده می
شود ؛ دانشمند و فقیه بزرگی به مانند زمخشری درباره مقامات
حریری چنین گفته است :

اقسم بالله و آیاته و مشعر الخیف و میقاته
ان الحریری حری بان تکتب بالتبر مقاماته (۹)
گویا شریعت « ادب » اجازه این سوگند بزرگ را به فقیه
معتزلی ما داده است .

شروح مقامات حریری

به دنبال اشتها مقامات حریری و اقبال کم نظیر محافل
علمی و ادبی به آن ؛ شروح و تعالیق زیاد به دست دانشمندان
ادیب بر آن نوشته شد . حاجی خلیفه بیش از سی شرح بر مقامات
حریری ذکر کرده که در میان شارحان ، ادباء و دانشمندان ماندند :
محمد بن علی بن عبد الله حلّی در گذشته (۵۶۱ ه . ق)

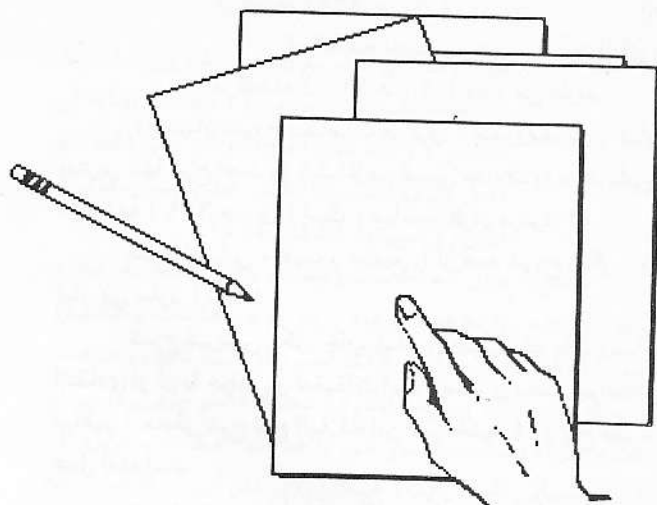
محمد بن علی بن احمد معروف به ابن
حمیده درگذشته (۵۰۵ ه . ق)

محمد بن محمد المکی معروف به ابن ظفر
در گذشته (۵۶۵ ه . ق)

ابو المظفر محمد بن اسعد معروف به ابن
حکیم درگذشته (۵۶۷ ه . ق)

ابوالبقاء عبد الله بن حسین عکبری
درگذشته (۶۱۶ ه . ق)

حمایت کرده و کتابی نوشته است؛ پس از مجموع دو گفته حاجی



ابن اَبّار می گوید :

« بسیاری از ادیبان اندلس پنجاه مقامه
حریری را از خود او در باغی که در بغداد داشت
استماع کردند؛ سپس به دیار خود باز گشتند؛
از جمله آنان می توان حسن بن علی البطلیوسی
درگذشته (۵۶۶ هـ . ق) و ابوالحجاج یوسف
القضاعی درگذشته (۵۴۲ هـ . ق) را نام
برد (۱۵) . »

از گفته های ارباب تراجم و تذکره ها چنین بر می آید که
مقامات بدیع الزمان در مغرب شهرت فراوان داشته است؛ همان
گونه که در گفته ابن اَبّار خواندیم؛ در حال حیات مؤلف به مغرب
رسیده بوده است؛ از این رو دیری نپایید که مقامه نویسانی
مانند:

ابو عبد الله محمد بن شرف درگذشته
(۴۶۰ هـ . ق)

محمد بن یوسف قمی سرقسطی
درگذشته (۵۳۸ هـ . ق)

رکن الدین ابو عبد الله محمد بن محمد
وهرانی درگذشته (۵۷۵ هـ . ق)

لسان الدین ابن الخطیب درگذشته (۷۷۶
هـ . ق)

و جز اینان - که تعدادشان بسیار است -
بازار ادب را در آن دیار رونق بخشیدند .

مقامه نویسی در ادب فارسی

در اوائل این مقال گفتیم که مقامه نویسی از نتایج اندیشه
و قریحه تابناک يك اديب دانشمند شیعی ایرانی یعنی بدیع الزمان؛
بوده است؛ اگر چه در باره نخستین مقامه در جهان ادب و مبتکر
مقامه نویسی مختصر گفتگویی وجود دارد؛ از جمله بعضی ها
گفته اند:

بدیع الزمان آثار پراکنده ای از دانشمند
لغوی بزرگ ابوبکر محمد بن الحسن معروف به
ابن دُرید درگذشته (۳۲۱ هـ . ق) صاحب
« جمهرة اللغه » یافته و مقامات خود را بر اساس
آن آثار ساخته است؛ یا گروهی معتقدند بدیع
الزمان مقامه نویسی را از استاد خود دانشمند
بزرگ ابو الحسن احمد بن فارس درگذشته
(۳۹۰ یا ۳۹۵ هـ . ق) یاد گرفته و از او تقلید
نموده است؛ ولی این قبیل گفتارها ثابت نشده و
مقام مبتکر بودن « بدیع » ما را، از او سلب نمی
کند .

به هر روی، مقامه نویسی در قالب زبان عربی آغاز
گردید؛ سپس وارد ادب فارسی شد .

خلیفه به دست می آید که او معتقد بوده « اللباب » از ابن بری،
ردی است بر نقد ابن خشّاب بر مقامات حریری؛ در صورتیکه
ظاهر عبارت سیوطی نشان می دهد که به اعتقاد او، « اللباب »
ردی است بر نقد ابن خشّاب بر درّه الغواص حریری؛ و این سهو
قلم است؛ زیرا سیوطی در جای دیگر از کتاب خود که به شرح حال
ابن خشّاب پرداخته از جمله کتب او کتاب « الرّد علی حریری فی
مقاماته » را نوشته است (۱۴) .

دانشمند دیگری به نام عبد اللطیف بن یوسف بغدادی در
مقام حکمیت میان ابن خشّاب و ابن بری برآمده و رساله ای به نام
« الإنصاف بین ابن بری و ابن الخشّاب فی کلامهما علی المقامات »
ساخته است .

به جز ابن خشّاب؛ دو دانشمند دیگر را سراغ داریم که از
مقامات حریری انتقاد کرده اند:

یکی ضیاء الدین ابو فتح نصر الله بن ابی الکرّم مشهور به
ابن اثیر درگذشته (۶۳۷ هـ . ق) در کتاب « المثل السائر » و
دیگری فخر الدین محمد بن نقیب النّقباء معروف به ابن الطقطقی
درگذشته (۷۰۹ هـ . ق) در کتاب « الفخری فی الآداب
السّلطانیة » .

مقامه نویسی در بلاد اسلامی

و غیر اسلامی

محافل علمی و ادبی و ارباب ذوق سلیم، از مقامات بدیع
الزمان همدانی به ویژه از مقامات مقلد بزرگ و توانای وی حریری،
به گرمی استقبال کردند؛ از این رو فنّ مقامه نویسی از مرزهای
ری و خراسان و بصره گذشت و به دیگر صحف عراق؛ و سرزمین
ادیب پرور مصر و نواحی شامات رسید، و ده ها کتاب به عنوان
مقامات در آن دیار به وجود آمد .

این هنرظریف از شرق بلاد اسلامی گذشت و به اشبیلیه و
غرناطه و قرطبه و سرقسطه و قیروان و وهران نیز رسید .

« تجربه کردیم که هر ابداع و اختراعی که در ادب تازی روی داده است ؛ از آوردن صنعتی یا اظهار تکلفی یا بیان معنای طرفه و تازه ای به فاصله يك قرن نظیر آن در ادبیات دری نیز پیدا آمده است ؛ این نیز یکی از علامات سیر تطور است چه گفته اند : ادبیات خردك خردك به وجود می آید نه يك مرتبه . (۱۶) »

بارزترین نمونه مقامات در ادب فارسی با تأثر کامل از بدیع الزمان و حریری ، « مقامات حمیدی » است ؛ مؤلف این مقامات قاضی حمید الدین عمر بن علی محمودی بلخی درگذشته (۵۵۹ هـ . ق) است .

مرحوم بهار قصیده بسیار زیبایی انوری را در مدح قاضی حمید الدین نقل کرده است :

« ... وی قاضی القضاة بلخ بوده است و

گویند انوری را که پس از هجای بلخ ، مردم شهر بر او بیرون آمده بودند و معجز بر سر او کرده می خواستند از شهرش بیرون کنند ؛ قاضی القضاة حمید الدین ، حامی او شد و او را از آن بلیه خلاص داد ؛ و انوری قطعات و قصایدی در مدح قاضی حمید الدین گفت که مهم تر از همه قصیده یائیه است که گوید (۱۷) :

ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری

وز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری

آسمان در کشتی عمرم کند دائم دو کار

وقت شادی بادبانی گاه انده لنگری

گر بخدمت وان پس از عمریست گوید زهرخند

ور بگیرم وان همه روز است گوید خون گری

روزگارا چون ز عنقا می نیاموزی ثبات

چون زغن ، تا چند ، سالی مادگی سالی نری

تا آنجا که می گوید :

مسند قاضی القضاة شرق و غرب آراسته

آنکه هست از مسندش عباسیان را برتری

گوحمیدالدین اگرخواهی که وقتی دردو لفظ

مطلقا هرج آن حمید است از صفتها بشمری

گروهی از ادباء عنوان مقامات را بر يك سلسله از کتب

فارسی اطلاق نموده اند ؛ که بعضی از آن کتابها در واقع مقامات

است و نگارنده آن به قصد مقامه نویسی و با تأثر از مقامه

نویسان عرب ، تدوین نموده است ؛ ولی در باره برخی دیگر باید

تأمل داشت به این معنا که شناخته نیست که کتاب با تأثر از مقامه

نویسان و به قصد مقامه نویسی تألیف یافته یا مطالب و محتوا و

الفاظ آن نوعی همگونی با مقامات به آن بخشیده است .

ملك الشعراء می فرماید :

« گلستان سعدی در واقع « مقامات » است و می توان او را ثانی اثنین مقامات قاضی حمید الدین شمرد اما مقامات قاضی تقلید صرف و خشکی است که از بدیع الزمان و حریری شده است ؛ ولی مقامات سعدی مقاماتی است که تقلید را در آن راه نیست و سراسر ابتکار و ابداع و چابکدستی و صنعت گری است . » (۱۸)

در پایان این فصل یاد آور می شویم که چندین ترجمه فارسی از مقامات حریری به دست آمده و بعضی از آنها به همت برخی از محققان چاپ هم شده است .

مقامه نویسی از دیدگاه اروپائیان

از وقتی که مستشرقان و محققان فرنگی با عنوان مقامات و هنر مقامه نویسی آشنایی یافتند ؛ خود مجذوب آن شدند و از راه ترجمه ، چاپ انتقادی و گرد آوری نسخه ها ، به ترویج آن در دیار خود پرداختند . مقامات حریری به زبانهای فرانسوی ، لاتین ؛ انگلیسی ؛ آلمانی ؛ عبری ترجمه و انتشار یافته است . (۱۹)

شیوه های مقامه نویسی

درباره شیوه مقامه نویسی باید از دو سو وارد بحث شد : الف - ارکان اصلی مقامه (در مقامه هایی که دارای آن هستند)

ب - سبك نگارش .

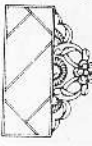
بدیع الزمان و مقلد بزرگ او حریری مقامات خود را بر اساس ۳ رکن اصلی ؛ راوی ؛ قهرمان ؛ محتوا پایه نهاده اند .

راوی و قهرمان دو شخصیت خیالی هستند که در صحنه مقامات ظاهر می شوند و بدان گرمی می بخشند ؛ در مقامات بدیع الزمان راوی « عیسی بن هشام » و قهرمان ابوالفتح اسکندری و در مقامات حریری راوی « حارث بن همّام » و قهرمان « ابو زید سروجی » است ؛ گفته شده که مقصود حریری از حارث بن همّام خود اوست ، و اقتباس از حدیث مشهور رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - که فرموده است :

« کلکم حارث و کلکم همّام » .

حارث کاسب است و همّام کسی ست که به امور زندگی خود اهتمام ورزد ، و به این معنا هر انسانی حارث و همّام است ؛ و در مورد قهرمان حریری گفتار ها گوناگون است ؛ گروهی گفته اند : يك شخصیت خیالی ست ؛ و برخی گفته اند ابو زید کنیه يك شخصیت واقعی به نام « مطهر بن سلام » است و قطفی درباره او گفته است « صاحب ابی محمد القاسم بن علی الحریری البصری ؛ أنشأ المقامات علی لسانه ؛ و كان فيه فضل و ادب (۲۰) » ولی درستی این سخن ثابت نشده است .

این شیوه را (داشتن راوی و قهرمان) گروهی از مقامه نویسان دنبال کردند ؛ از بین آنان ؛ خاتمه المقلدین (به قول استاد



محمد ابوالفضل ابراهیم (شیخ ناصیف یازجی لبنانی را می توان نام برد : نام مقامات شیخ ناصیف « مجمع البحرين » و راوی آن « سهیل بن عبّاد » و قهرمانش « میمون خزّامی » است .
 شیخ ناصیف به سال ۱۸۰۰ میلادی در کفر شیما (لبنان) تولد یافت ؛ پدرش شیخ ناصیف طیبی اديب بود و طبّ را از شیخ ابو علی سینا الهام گرفته بود .
 کتاب شناس و متتبع مشهور یوسف الیان سرکیس می نویسد :

« شیخ ناصیف علامه لغوی و نحوی و شاعری طائر الصیّت است ؛ وی از علوم صرف و نحو و بدیع و عروض و منطق و طبّ قدیم و موسیقی بهره داشت ؛ تبحر او در فنّ موسیقی به جایی رسیده بود که روزی کسی به هنگام وزیدن باد از او پرسید : نغمه این باد در چه دستگاهی است ؟ شیخ ناصیف گفت : دستگاه بیات » (۲۱)

محتوا

محتوای مقامات بدیع الزّمان و حریری مطالب اخلاقی ؛ اجتماعی ؛ ظرائف و لطائف ادبی ؛ حکایات و فکاهه است . اغلب مقلدان نیز محتوای مقاماتشان را شبیه محتوای مقامات این دو مقامه نویس بزرگ ساختند . در این میان ؛ مقامه نویسانی هم پیدا می شوند که محتوای مقاماتشان تقریباً بسیط و بر اساس يك موضوع ساخته شده است ؛ شرح این قسمت از عهده این مقال خارج است .

سبک نگارش

مقامه نویسان ؛ درآوردن کلمات زیبا و لغات غریب و به کار بردن الفاظ مترادف و عبارات مسجع و مقفا و آهنگ دار از سبک بدیع الزّمان پیروی نموده اند ؛ باید توجه داشت مقامه نویسی درست و شایان عنایت ادیبان ؛ به راستی هنری ست بزرگ ؛ زیرا مقامه نویس به همان اندازه که در سجع و قافیه و زیبایی عبارات و محسنات لفظی کوشش می کند ؛ در محسنات معنوی و ارتباط و انسجام مطالب و بلند و بالا بودن معنا نیز فکر خود را به کار می اندازد ؛ افزون بر این ؛ این کوشش چه در لفظ و چه در معنا ؛ پشتوانه بزرگی از دانش های گوناگون و حضور ذهن و سرعت انتقال دارد ؛ وگرنه با اطلاعات متوسط ادبی و لغوی مقامه نویسی میسر نمی گردد . در میان مقلدان بدیع الزّمان ؛ حریری (به گفته دکتر عمر فروخ) در پیروی از سبک استاد مبالغه هم کرده است :

« ... و لکنّه - یعنی الحریری - اغرق فیها فی الصنّاعة المعنویة و الصنّاعة اللفظیة خاصّة » (۲۲)

دوست داشتم در این جا نمونه هایی از مقامه های مهم و درجه اول بیاورم ؛ و بحثی در پیرامون مشخصات مقامه ها ؛ از

مقامه نویسان ؛ و فرق میان مقامات مشارقه و مغاریه داشته باشم ؛ ولی برای فرار از تطویل محل به همین قدر بسنده می کنم .
 باورقی

۱- لسان العرب ۱۲ / ۵۰۶ .

۲- صبح الأعشی ۱۴ / ۱۲۴ .

۳- سبک شناسی ۲ / ۳۲۴ و ۳۲۵ .

۴- صبح الأعشی ۱۴ / ۱۲۴ و ۱۲۵ .

۵- مارون عبود : بدیع الزّمان الهمدانی ط مصر ص ۲۲ .

۶- یتمه الذّهر ط محمد محی الدین عبد الحمید ۴ / ۲۵۷ .

۷- یتمه الذّهر ۴ / ۲۵۶ .

۸- رجوع شود به ادوارد برون : تاریخ ادبی ایران ترجمه علی پاشا صالح ۱ / ۲۷۴ و ۲۷۵ .

۹- محدث قمی : الکنی و الألقاب ط نجف ۲ / ۱۶۳ .

۱۰- نسخه ای از شرح مطرزی نزد این جانب موجود است .

۱۱- محدث قمی : الکنی و الألقاب ۲ / ۳۲۸ .

۱۲- کشف الظنون ۲ / ۱۵۴۲ .

۱۳- بغیة الوعاة ص ۲۷۹ .

۱۴- همان کتاب ص ۲۷۷ .

۱۵- دکتر عبد العزیز عتیق : الأدب العربی فی الأندلس ص ۴۸۰ .

۱۶- سبک شناسی ط امیر کبیر ۱۳۳۷ ش ۲ / ۳۲۷ .

۱۷- همان کتاب ۲ / ۳۲۹ مرحوم بهار تمامی قصیده انوری را آورده است .

۱۸- سبک شناسی ۳ / ۱۲۵ .

۱۹- رجوع شود به دکتر عبد الرحمن بدوی : موسوعة المستشرقین ص ۲۲۲ و مقدمه استاد محمد ابوالفضل ابراهیم بر شرح مقامات شریسی ص ۱۱ .

۲۰- به نقل استاد محمد ابوالفضل ابراهیم در مقدمه شرح شریسی .

۲۱- معجم المطبوعات العربیة و المعرّبه ۲ / ۱۹۳۳ و بعد آن - شاید (دستگاه بیات) به نزد موسیقی دانان عرب به همان اطلاق و بدون يك تقسیم ؛ دستگاهی به حساب آید .

۲۲- تاریخ الفكر العربی الی آیام ابن خلدون ط بیروت ص ۵۳۹ .

استاد مهدی شایسته

عروج ملکوتی استاد شایسته ، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی را که از فرهنگیان برجسته کشور بود و سال ها در مدارس کشور به ویژه مدارس علوی به تدریس اشتغال داشت و به حسن خلق و داشتن چهره بشاش

ولبان همواره خندان ، ممتاز بود ، به عموم فرهنگیان میهن و باز ماندگان آن فقید سعید تسلیت می گویم .